

## کتابشناسی

# سید حیدر آملی (ره)

رضا استادی

مرحوم سید حیدر آملی (ره) در سال ۷۱۹ یا ۷۲۰ هـ. ق<sup>۱</sup> در شهر آمل به دنیا آمد؛<sup>۲</sup> نام او حیدر و لقب او رکن الدین<sup>۳</sup> و نسب او با هجده واسطه به امام چهارم حضرت زین العابدین (ع) می‌رسد.<sup>۴</sup> علی بن الحسین زین العابدین (ع)<sup>۴</sup> به این ترتیب:

### یادآوری

در کتاب تحفة الازهار ابن شدقم که یکی از بهترین و مبسوط‌ترین کتاب‌های انساب سادات است آمده:

حسین اصغر فرزند امام سجاد در سال ۱۵۷ به سن شصت و چهار سالگی از دنیا رفت و در قبرستان بقیع مدینه مدفون است. عییدالله اعرج فرزند حسین اصغر، چون در یکی از دو پاهایش نقصانی بود، او را اعرج می‌خواندند.

یکی از فرزندان عییدالله، حمزه است که او را حمزة المختلس می‌خوانند. وی سه پسر داشت به نام‌های علی و حسن و ابو ابراهیم محمد حرون. محمد حرون دو پسر داشت: حسین حرون (حرون به معنی پهلوان و شجاع است) و ابوعلی ابراهیم. ابوعلی ابراهیم هفت پسر داشت که یکی از آنها ابو عبدالله حسین کوسج است. تا اینجا با آنچه در نسب سید حیدر یاد شد، برابر است؛

رکن الدین حیدر بن

۱. السید تاج الدین علی پادشاه بن

۲. السید رکن الدین حیدر بن

۳. السید تاج الدین علی پادشاه بن

۴. السید محمد امیر بن

۵. علی پادشاه بن

۶. ابی جعفر محمد بن

۷. زید بن

۸. ابی جعفر محمد بن

۹. الداعی بن

۱۰. ابی جعفر محمد بن

۱۱. ابراهیم بن

۱۲. محمد بن

۱۳. الحسین الكوسج بن

۱۴. ابراهیم سناء الله بن

۱۵. محمد الحرون بن

۱۶. حمزة بن

۱. المقدمات من کتاب نص النصوص، ج ۱، ص ۵۳۷، چاپ تهران.

۲. تفسیر المحيط الاکظم، ج ۱، ص ۵۲۹، چاپ تهران.

۳. همان، ج ۱، ص ۵۲۷.

۴. همان.

او مصاحب بودم، بهره‌های فراوان از او بردم. از اصفهان به دهستان «ایزه» یا «ایزج» خوزستان رفتم و در آنجا مدتی منتظر ماندم تا قافله‌ای آماده حرکت به عراق شود و من هم همراه آن قافله باشم که این زمینه فراهم شد. در زمان توقف در «ایزه» نیز با عارفی کامل مصاحب بودم و بالاخره در اثر ابتلا به بیماری به اصفهان برگشتم و پس از چندی از راه دیگر به عراق رفتم و به زیارت مشاهد مقدسه امیر مؤمنان علی (ع) و امام حسین (ع) و امام موسی کاظم و جواد و سامرا موفق شده و یک سال تمام مجاور آن مشاهده بودم. سپس برای انجام حج خانه خدا با عدم تمکن ظاهری فقیرانه رهسپار مکه شدم. در این مسیر بلایا و مجاهدات گوناگون برایم پیش آمد که شرح آن، چند جلد کتاب می‌شود.

«حج واجب و مناسک حج را به جا آوردم و این در سال ۷۵۱ بود و قصد داشتم مجاور مکه و جاراالله شوم، اما شوق مجاورت مدینه - که هنوز رسول خدا (ص) و امامان و اصحاب مدفون در بقیع و مدینه را زیارت نکرده بودم - موجب شد که به مدینه رفتم و پس از زیارت تصمیم مجاورت مدینه را داشتم. اما موانع که مهم‌ترین آن بیماری بود، باعث شد که به عراق و مشهد مقدس غروی [=نجف] بازگشته و ساکن آنجا شوم.»<sup>۷</sup>

از این تاریخ یعنی حدود سال ۷۵۱ تا پایان عمر یعنی سال ۷۸۷ یا قدری بیشتر، در نجف و حله و بغداد بوده که حتماً توقف در نجف و استفاضه از فیوضات علوی بیش از توقف در جاهای دیگر بوده است.<sup>۸</sup>

در نجف تا سال ۷۵۳ منازل السائرین هروی، و فصوص و شرح قیصری و شرح تلمسانی بر آن و رساله‌های دیگری را نزد عارفی کامل اما گمنام - عبدالرحمن بن احمد مقدسی - می‌خواند.<sup>۹</sup> ظاهراً در حله قبل از سال ۷۶۱ کتاب‌های شرایع محقق حلی، جوامع الجامع شیخ طبرسی، مناہج الیقین علامه حلی، نهج البلاغه سید رضی، شرح نهج البلاغه ابن میثم بحرانی و تهذیب الاحکام شیخ طوسی را نزد فخرالمحققین پسر علامه حلی می‌خواند.<sup>۱۰</sup> و به این ترتیب از ۷۵۱ تا ده سال علاوه بر

۵. تحفة الازهار، در بخش اولاد امام حسین و حضرت سجاد (ع) متأسفانه در استنساخ غالب شجره نامه‌ها برخی از اسم‌ها تصحیف و یا حذف و یا جابجا شده است.

۶. المقدمات من کتاب نص النصوص، ج ۱، ص ۵۲۵ و المحيط الاکظم، ج ۱، ص ۵۳۰.

۷. همان دو مصدر.

۸. در مقدمات نص النصوص، ص ۲۵۶ گوید: در سال ۷۵۵ در بغداد خوابی دیدم... پس در این تاریخ در بغداد بوده، البته معلوم نیست که ساکن بوده و یا به طور موقت و مثلاً چند روزه.

۹. المحيط الاکظم، ج ۱، ص ۵۳۵.

۱۰. همان، ص ۵۳۲.

اما از حسین کوسج به بعد به ترتیبی که در نسب نامه آمده، در تحفة الازهار نیست؛ زیرا در تحفة الازهار برای حسین کوسج فقط سه فرزند به نام‌های علی و جعفر و ابو عبدالله الحسین یاد شده، و فرزندی به نام محمد برای او ذکر نکرده است.<sup>۵</sup>

دیگر اینکه از القاب و عناوینی که برای پدران سید حیدر تا چند پشت یاد شده، معلوم می‌شود که خاندان او در آمل، سلسله ساداتی با تشخص و معنون و شاید مرتبط با حاکمان آن سامان بوده‌اند. سید حیدر گوید: محل ولادت من و محل ولادت آباء و اجداد من آمل است که شاید مقصود او تا جد چهارمش علی پادشاه بن محمد باشد.

#### دوران تحصیل

از حدود ده سالگی در آمل شروع به تحصیل نمود و پس از چندی با سفر به خراسان و استرآباد و اصفهان از اساتید آن شهرها بهره برد و این دوران بیست سال طول کشید که خود گوید: «از سال‌های کودکی تا حدود سی سالگی به تحصیل علوم ظاهری از منقول و معقول به طریقه شیعه و اجداد معصومین خود مشغول بودم و پس از تکمیل تحصیل از اصفهان به آمل بازگشتم.» پس از بازگشت به آمل شاید به خاطر اینکه علاوه بر سیادت و بزرگی خاندانش، به مراتب علمی بالایی دست یافته بود، مورد عنایت خاص حاکم آنجا قرار گرفت و به جاه و مقام و مال فراوانی رسید، اما پس از گذشت اندک زمانی به همه آن مادیات پشت، و رو سوی الله تبارک و تعالی کرده و به قصد زیارت بیت الله و حج خانه خدا و زیارت جدش رسول خدا و نیز ائمه بقیع و زیارت بیت المقدس با ظاهری فقیرانه از آمل خارج و از راه قزوین و ری به اصفهان رفت.<sup>۶</sup>

سید حیدر در شرح حال خود می‌نویسد: «این بار با وضعی فقیرانه، به همان اصفهان که مدتی طولانی از دوران جوانی را با جاه و مال فراوان در آنجا به سر برده بودم، وارد شدم.»

در اصفهان تعدادی از مشایخ اهل معرفت بودند، اما من خدمت شیخ کامل محقق نورالدین طهرانی (طهران یا تیران، قریه‌ای است نزدیک اصفهان) را که عارفی زاهد و نزد عام و خاص مقبولیت داشت، اختیار کردم و در کمتر از یک ماهی که با

سیر و سلوک و ریاضت، تحصیل خود را تکمیل می کرده است و به عبارت دیگر هنوز به عرفان نظری و نیز علوم حوزوی - به اصطلاح علوم ظاهری و رسمی - عنایت داشته است.

#### اساتید و مشایخ او

علامه سید حیدر آملی در طول بیش از سی سال تحصیل در حوزه های مختلف و مصاحبت با اهل معرفت، اساتید و مشایخ فراوانی داشته است، اما ما فقط چهار یا پنج نفر آنها را می شناسیم:

۱. محمد بن الحسن فرزند علامه حلی و معروف به فخرالمحققین (۶۸۲-۷۷۱) دارای آثار فراوان از جمله:

ایضاح الفوائد فی حل مشکلات القواعد که شرح قواعد الاحکام پدرش علامه حلی است.

شرح خطبه قواعد الاحکام پدرش،

حاشیه ارشاد الاذهان پدرش در فقه،

شرح مبادی الاصول پدرش در اصول فقه،

شرح تهذیب الاصول پدرش در اصول فقه،

شرح نهج المسترشدين پدرش در کلام،

مسائل حیدریه که پاسخ به مقولات شاگردش سید حیدر آملی است.<sup>۱۱</sup>

۲. نصیرالدین کاشی حلی متوفای ۷۵۵ (نه ۷۳۵) که در برخی نوشته ها سبق قلم شده است) وی در کاشان متولد شده و در حله ساکن بوده و در نجف به خاک سپرده شده است. از تألیفات اوست:

تعریف زبدة الهیته خواجه نصیر طوسی،

حاشیه بر شرح تجرید اصفهانی،

حاشیه بر شرح شمسیه رازی،

شرح طوابع بیضاوی در علم کلام،

رساله در ایراد بر تعریف طهارت در قواعد الاحکام علامه حلی.<sup>۱۲</sup>

سید حیدر حلی در جامع الاسرار گوید: از امام عالم و حکیم فاضل نصیرالدین کاشی قدس الله سره مکرر شنیدم که عین این جمله را می گفت: در مدت هشتاد سالی که از عمر من می گذرد، محصول تحصیلاتم فقط این است که این مصنوع [ها] صانع دارد...<sup>۱۳</sup>

از همین عبارت استفاده شده که سید حیدر از تلامذ او بوده است.

۳. شیخ نورالدین طهرانی (تیرانی)

سید حیدر در اصفهان، در مدت کوتاهی از او استفاده معنوی و اجازه ای مکتوب نیز از او دریافت کرده است.

متأسفانه نتوانستیم از این استاد در کتاب هایی که مراجعه شد، شرح حالی به دست آوریم و سید حیدر در تفسیر خود گوید آن اجازه مفقود شده است، اما مضمون آن را نقل می کند.<sup>۱۴</sup>

۴. شیخ عبدالرحمن قدسی (یا مقدسی) ایشان از علمای شیعه بوده و شرح حالش در مصادری که مراجعه کردیم، یافت نشد.

سید حیدر حلی در سال های حدود ۷۵۳-۷۵۱، فصوص و دو شرح فصوص و منازل السائرین را در نجف نزد ایشان خوانده است و این استاد در اجازه خود به سید حیدر می نویسد: «استفاده من از این شاگرد، بیش از استفاده او از من بود.»<sup>۱۵</sup>

۵. سید حیدر از یکی از مشایخ اهل معرفت که در دهستان «ایزه» بوده است نیز یاد می کند و می گوید:

در ایام توقف در «ایزه» که منتظر قافله عازم عراق بودم: بقیت هناك فی صحبة شخص کامل.<sup>۱۶</sup>

۶. کسانی که الکشکول فیما جرى علی آل الرسول را از تألیفات سید حیدر دانسته اند، یکی از مشایخ او را حسن بن حمزه هاشمی دانسته اند؛ زیرا در آن کتاب از ایشان مطلبی بی واسطه نقل شده است و ایشان هم در غیر از کتاب کشکول یاد نشده است.<sup>۱۷</sup>

#### شاگردان او

شخصیتی علمی عرفانی مانند سید حیدر آملی حتماً شاگردانی داشته است و اینکه خود می نویسد گروهی از ارباب توحید و اهل الله از من خواستند که شرحی بر فصوص محیی الدین بنویسم و یا جامع الاسرار را بنویسم،<sup>۱۸</sup> می تواند اشاره به تقاضای شاگردانش باشد و در هر صورت در کتاب های تراجم و شرح حال تا آنجا که نویسنده اطلاع دارد، هیچ کس به عنوان شاگرد و یا کسی که از او اجازه در علوم و یا اجازه در معنویات و مراتب سیر و سلوک داشته باشد، یاد نشده است.

۱۱. فوائد رضویه، محدث قمی، ص ۴۸۶، چاپ اول.

۱۲. اهلام الشیعه، تهرانی، سده هشتم، ص ۱۴۹ و فوائد رضویه، ص ۳۲۶.

۱۳. جامع الاسرار، ص ۴۹۶.

۱۴. المحيط الاظم، ج ۱، ص ۵۳۴.

۱۵. همان، ص ۵۳۵.

۱۶. همان، ص ۵۳۱.

۱۷. الکشکول، چاپ نجف، ص ۱۹۱ و اهلام الشیعه سده هشتم، ص ۳۹ به نقل از ریاض العلماء.

۱۸. المقدمات من کتاب نص النصوص، ج ۱، ص ۱۲.

۲. رسالة الوجود في معرفة المعبود و مايتعلق بالوجود .  
این رساله پیرامون اطلاق و بدهات و وجوب و وحدت و ظهور و کثرت وجود است . و اثبات اینکه خدا واجب الوجود لذاته و ممتنع العدم لذاته است . و اینکه غیر از او در خارج نیست و هو الاول والاخر والظاهر والباطن وهو بكل شیء علیم .  
از این کتاب تاکنون نسخه ای یافت نشده است .

۳. رسالة المعاد في رجوع العباد و مايتعلق بالمعاد  
این رساله درباره قیامت صغری و قیامت وسطی و قیامت کبری و تحقق این سه قیامت است . و اثبات اینکه این سه قیامت به حکم تطبیق و مطابقت میان عالم آفاق و عالم انفس به دوازده قیامت صوری و معنوی تقسیم می شود . از این رساله نیز نسخه ای در دست نیست .

۴. کتاب الاصول والارکان فی تهذیب الاصحاب والاخوان  
این کتاب شامل اصول پنجگانه و فروع پنجگانه دین و بیان اینکه هر یک از این ده اصل و فرع سه مرتبه دارد : شریعت و طریقت و حقیقت که هر کدام از این سه ، تکامل مرتبه قبل است . مؤلف در جامع الاسرار خود نیز از این اثر یاد کرده است .  
نسخه این کتاب نیز یافت نشده است .

۵. رسالة العلم  
در این رساله موضوع و محمول و مسائل و مبادی علم هر یک از سه طائفه صوفیه و حکما و متکلمان ، و نیز حقیقت علم به طریق هر یک از این سه طائفه و بحث های دقیق و نکته های ارزنده در این زمینه بیان شده است .

۶. رسالة العقل والنفس والفرق بینهما  
در این رساله فرق میان عقل و نفس به اعتبار کلیت و جزئیت و مباحث متعلق به عقل و نفس مطرح شده است .

۷. رسالة الامانة الالهية في تعيين الخلافة الربانية  
در این رساله بحث خلافت الهی با استفاده از آیه «انا عرضنا الامانة على السماوات والارض والجبال فابین ان یحملنها وحملها الانسان انه كان ظلوماً جهولاً» بیان شده و برخلاف گمان برخی از مفسران و غیرهم ، ظلم بودن و جهول بودن انسان بالاترین ستایش و مدح انسان دانسته شده است .  
این رساله در ذریعه و ریاض العلماء و کشف الحجب یاد شده است .

۸. رسالة الحجب و خلاصة الکتب  
در این رساله آیه شریفه «ثم فی سلسلة ذرعا سبعون ذراعاً» و

## تالیفات

در سال ۷۸۱ یعنی در شصت و دو سالگی که می خواستند نگارش شرح فصوص خود را آغاز کند ، در مقدمه آن شرح می نویسد :  
در این مدت طولانی سی ساله [که از آمل بیرون آمده و در نجف و حله بوده ام] حدود چهل کتاب و رساله به عربی و فارسی نوشته ام و تعدادی از آنها را به ترتیب تاریخ تالیف یاد می کند .<sup>۱۹</sup>  
و نیز در جلد اول تفسیر خود که در سال ۷۷۷ مشغول نوشتن آن بوده <sup>۲۰</sup> گوید : بر اکثر کتاب های تصوف از مطولات و مختصرات ، حاشیه و شرح نوشته و سپس به تصنیف کتاب هایی که نزدیک به بیست [یا بیست و چهار] کتاب است پرداخته و این نگارش ها در مدت بیست و چهار سال انجام شد . بنابراین حدود نیمی از تالیفات ایشان حاشیه و شرح بر کتاب های دیگران و نیمی از آنها تالیف مستقل بوده است و این بیست و چهار سال از ۷۵۳ (که از خواندن فصوص و شرح فصوص و منازل السائرين نزد استادش عبدالرحمن قدسی فارغ شده) تا سال ۷۷۷ یعنی سال آغاز تالیف تفسیر المحيط الاعظم می باشد و مقصود از سی سال که در آغاز شرح فصوص گفته است ، سال ۷۵۱ که سال ورود در نجف اشرف است تا سال ۷۸۱ ، یعنی سال آغاز تالیف شرح فصوص می باشد .

اکنون آن تالیفاتی که در آغاز شرح فصوص به ترتیب تاریخ تالیف یاد شده ، ذکر می کنیم :

۱ . مجمع الاسرار و منبع الانوار = جامع الاسرار و منبع الانوار  
در آغاز این کتاب گوید : هنگامی که از نگارش کتاب های منتخب التأویل ، الارکان ، الامانة ، رسالة التنزیه و غیره فراغت یافتم ، گروهی از برادران اهل سلوک از من خواستند که کتابی جامع و مشتمل بر اسرار الله و اسرار انبیاء و اولیای خدا به ویژه شامل اسرار توحید و اقسام و توابع و لوازم و آنچه مربوط به اینها است ، بنگارم ... و چون رد این خواسته از اکبر کبائر بود به تالیف آن آغاز نمودم ... این کتاب که از مشهورترین تالیفات سید حیدر است و نسخه های خطی متعددی از آن در دست است ، در سال ۱۳۴۷ ش به ضمیمه نقد النقود ، در حدود ۹۰۰ صفحه با مقدمه ای سودمند و طولانی چاپ شده است .

۱۹. همان ، ص ۱۲ .

۲۰. المحيط الاعظم ، ج ۱ ، ص ۱۸۵ .

حدیث نبوی «ان لله تعالى سبعین الف حجاب من نور وظلمه...» و هزار سال و پنجاه هزار سال و سیصد هزار سال که در کتاب و سنت آمده، و روایت «انا اقل من ربی بستین و روایت «لیس بینی و بین ربی فرق الا انی تقدمت بالعبودية» مورد تحقیق و اینکه اینها با هم چگونه جمع می شوند و توافق دارند بحث شده است.

۹. رساله الفخر و تحقیق الفخر

در این رساله، چگونگی جمع بین این احادیث: «الفخر فخری» «الفخر سواد الوجه فی الدارین» «کاد الفقر ان یکون کفراً» بیان شده است.

۱۰. رساله الاسماء الالهية و تعیین مظاهرها

در این رساله انسان هایی که مظهر اسماء الهی هستند، از حضرت آدم تا حضرت خاتم بیان شده است.

۱۱. رساله النفس فی معرفة الرب

این رساله با استفاده از حدیث «من عرف نفسه فقد عرف ربه» و آیه شریفه «هو معکم اینما کنتم» و نیز آیه کریمه «وفی انفسکم افلا تبصرون» نگاشته شده است.

۱۲. اسرار الشریعة و اطوار الطریقة و انوار الحقیقة

این کتاب مقدمه ای دارد شامل این مطالب: مرتبه اهل حقیقت از اهل طریقت و مرتبه اهل طریقت از اهل شریعت بالاتر است. عقل و شرع به هم نیاز دارند و هر یک دیگری را کمک و تأیید می کند. بیان ضوابط کلی برنامه های انبیا برای ارشاد انسان ها. بیان اینکه هر موجودی کمالی دارد و پس از مقدمه هر کدام از توحید، عدل، نبوت، امامت، معاد و قیامت صغری و وسطی و کبری و وضوء، غسل، نماز، روزه، زکات، حج و جهاد را از دیدگاه اهل شریعت و اهل طریقت و اهل حقیقت بیان شده و هدف اصلی کتاب این است که ثابت کند حقیقت کمال طریقت و طریقت کمال شریعت است و اینها در اصول و فروع دین با هم اختلافی ندارند، بلکه هر کدام کامل شده دیگری است.

این کتاب در سال ۱۳۶۲ ش در طهران به قطع وزیری در ۲۸۶ صفحه چاپ شده است. محقق محترم کتاب مقدمه ای طولانی و سودمند در حدود هفتاد صفحه بر آن افزوده و در این مقدمه گوید: بسیاری از تألیفات حضرت سید حیدر، یا تلخیص کتب دیگر اوست و یا تخلص، و به قول اهل منطق بین کتاب های ایشان عموم و خصوص مطلق و یا من وجه است. این کتاب اسرار الشریعه نیز حاوی مطالب هفت یا هشت کتاب تحقیقی اوست و گزیده آراء او در اعتقادات و عبادات در این کتاب شریف آمده است.

از این کتاب نسخه های خطی متعددی موجود است و از قراری که شنیده ام گویا یکی از علاقه مندان به آثار سید، این

کتاب را با تحقیق مجدد در دست چاپ دارد.

ترجمه فارسی این کتاب هم در سال ۱۳۷۷ ش به چاپ رسیده است.

در جلد اول مجموعه مقالات کنگره علامه سید حیدر آملی، مقاله ای سودمند با این عنوان: «نگاهی به تصحیح و ترجمه کتاب اسرار الشریعة» در نقد تحقیق و ترجمه این کتاب درج شده است.

۱۳. رساله الجداول = مدارج السالکین فی مراتب العارفين  
این رساله شامل صد مقام اصلی و هزار مرتبه فرعی انسان سالک است.

۱۴. نقد النقود فی معرفة الوجود

این رساله منتخب رساله الوجود فی معرفة المعبود است که پیش تر یاد شد. تاریخ پایان تألیف آن ۷۶۸ می باشد. در سال ۱۳۴۷ به ضمیمه جامع الاسرار چاپ شده است و ترجمه فارسی آن و نیز کتابی به نام «ساحت ربوبی» در شرح رساله نقد النقود تألیف دکتر منصور لاریجانی هم چاپ شده است.

۱۵. نهاية التوحید فی بداية التجرد

این رساله هم منتخب کتاب مجمع الاسرار و منبع الانوار (منبع الاذهار) است که قبلاً ذکر شد.

۱۶. منتقى المعاد فی مرتضى العباد

این رساله نیز منتخب رساله المعاد فی رجوع العباد است که پیش تر یاد شد.

۱۷. رساله التنبيه فی التنزیه

این رساله در تنزیه الله تبارک و تعالی است [عما یقول الظالمون]

۱۸. امثلة التوحید و ابنیة التجرد

این کتاب مقابل و یا همانند کتاب لمعات عراقی در عرفان است. فخرالدین عراقی متوفای ۶۸۸ آثاری دارد، از جمله لمعات که در بیان مراتب عشق است و شروح و حواشی متعددی دارد که مشهورترین آنها شرح لمعات جامی است. به ذریعه ۳۴۲/۱۸ رجوع شود.

۱۹. رساله کنز الكنوز و کشف الرموز

محتوای این رساله در فهرست آثار مؤلف یاد نشده، اما به نظر می رسد که از کتاب های عرفانی است.

گفتند: علت درخواست ما دو چیز است: یکی اینکه علاقه شدید داریم که با معارفی که در کتاب فصوص هست آشنا شویم و علت دوم اینکه شرح فصوص مؤیدالدین خجندی و شرح فصوص عبدالرزاق کاشی و شرح فصوص محمود قیصری که در اختیار است و از بهترین شروح فصوص می باشد، مطابق ذوق و موافق آراء ما نیست [شاید می خواسته اند شرح با توجه به معارف شیعه نگاشته شود و مؤلفان آن شرح ها از عامه بوده اند] و ما می دانیم نوشتن شرحی کامل تر از آن شرح ها از تو ساخته است؛ زیرا تألیفات و آثار به ویژه کتاب تأویل القرآن تو گواه این توانایی است.

از این کتاب مقدمه و شرح، فقط پنج فص از بیست و چند فص فصوص الحکم در دست است که مقدمه آن در سال ۱۳۵۳ در تهران چاپ شد و بقیه (جلد دوم) در دست چاپ است. در پایان مقدمه گوید: این شرح در سال ۷۸۱ شروع و در ۷۸۲ یعنی در یک سال یا کمتر از یک سال به پایان رسید؛ در حالی که شصت و سه سال از عمرم گذشته است. چند نسخه خطی که برخی فقط شامل مقدمه و برخی شامل تا فص پنجم از فصوص است، تاکنون یافت شده است.

محقق این کتاب (عثمان یحیی) در مقدمه آن ۱۱۲ شرح فصوص و ۱۳ مختصر فصوص و مختصر شرح فصوص و ۳۶ کتاب در رد فصوص و صاحب فصوص و ۳۳ کتاب در دفاع از فصوص و صاحب فصوص نام برده است و نیز فتاوی و آراء ۱۳۸ نفر از علما که فصوص و شارح آن را جرح کرده، و فتاوی و آراء سی نفر از علما را که وی را تعدیل کرده اند، آورده است. ۲۳ و ۲۴. در تفسیر المحيط الاعظم<sup>۲۱</sup> در ذیل عنوان: «علّة حصر معانی القرآن بالسبعة» می انحصار طوائف الخلق و مراتب العالم فی السبعة آمده:

ما در این باب به درخواست برخی از اصحاب رساله ای به فارسی، و نیز رساله ای به زبان عربی نگاشته ایم.

۲۵. در همان کتاب<sup>۲۲</sup> در ذیل آیه شریفه «یوم نحشر من کل امة فوجاً...» آمده این آیه به نظر برخی مفسران اشاره به قیامت صغری و زمان حضرت مهدی (ع) است و ما در اثبات این مطلب رساله ای نگاشته ایم.

۲۶. در همان کتاب<sup>۲۳</sup> از حاشیه خود بر کتاب تأویلات (بحر الحقائق و منبع الدقائق) شیخ نجم الدین رازی معروف به دایه یاد می کند.

۲۱. همان، ص ۳۱۱ و ۳۲۰.

۲۲. همان، ص ۲۹۵.

۲۳. همان، ص ۲۳۴.

۲۰. کتاب تعیین الاقطاب والواتاد

نام کتاب گویای موضوع آن است.

۲۱. المحيط الاعظم... فی تأویل کتاب الله العزیز الحکیم

در هفت مجلد بزرگ

تا آنجا که تاکنون فحوص و جستجو شده فقط به اندازه یک جلد از این کتاب به خط مؤلف در کتابخانه آیه الله العظمی نجفی مرعشی موجود است و نیز از نسخه دیگر که از روی همین نسخه موجود استنساخ شده یاد می شود و از بقیه این کتاب خبری در دست نیست. مؤلف این کتاب را در مقابل کتاب تأویلات نجم الدین رازی نگاشته و از دید یک عارف شیعی (برخلاف او که از عامه بوده است) به تأویل آیات قرآن مجید پرداخته است و هنگام تألیف این اثر، همانطور که خود یادآوری کرده از تفسیر مجمع البیان شیخ طبرسی و کشف زمخشری و تأویلات نجم الدین رازی و تأویلات مولانا کمال الدین عبدالرزاق کاشی استفاده کرده و به آنها نظر داشته است.

تاریخ تألیف این کتاب حدود سال های ۷۷۷ تا ۷۸۰ است. بخش موجود از این کتاب با تحقیق حضرت آقای موسوی تبریزی به صورت مطلوبی در چهار جلد آماده چاپ و تاکنون سه جلد آن منتشر شده و جلد چهارم هم در دست چاپ است. مقدمه حضرت آقای موسوی تبریزی بر کتاب بسیار سودمند و جامع است و گویا جلد چهارم باید شامل تفسیر سوره حمد و قسمتی از سوره بقره باشد که متأسفانه مقداری از همین نسخه موجود هم به خاطر آسیب هایی که دیده قابل استفاده و چاپ نیست.

در هر صورت شاید مهم ترین اثر مرحوم سید حیدر آملی، این کتاب است که فقط حدود یک دهم آن در دست است.

علامه تهرانی در ذریعه کتابی از سید حیدر به نام «التاویلات» یاد می کند که گویا همان تفسیر المحيط الاعظم باشد.

۲۲. نصّ النصوص فی شرح الفصوص

مؤلف در مقدمه این کتاب نام تعدادی از تألیفات خود را یاد می کند و سپس گوید: «هنگامی که از نگارش این آثار فراغت یافتم، گروهی از ارباب توحید و اهل الله از من با تأکید فراوان خواستند که شرحی بر فصوص محیی الدین بنویسم. از ایشان پرسیدم که چرا این کار را از من (و نه از غیر من) می خواهید؟

۲۷. اصطلاحات الصوفیة = مختصر اصطلاحات الصوفیة<sup>۲۴</sup>

عبدالرزاق کاشانی

این کتاب در ذریعه به نقل از کشف الظنون یاد شده است. ۲۵

۲۸. منتخب التأویل فی بیان کتاب الله و حروفه و کلماته و آیاته

این کتاب در جامع الاسرار یاد شده است. ۲۶

۲۹. جامع الحقائق

این کتاب نیز در جامع الاسرار یاد شده است.

۳۰. رافعة الخلاف عن وجه سکوت امیرالمؤمنین عن

الاختلاف = رفع المنازعة

این کتاب را به دستور استادش فخرالمحققین حلی تألیف

کرده و استاد بر پشت این کتاب اجازه ای به خط خود برای او

نوشته است.

صاحب مجالس المؤمنین، مرحوم نورالله شوشتری گوید

این رساله از نفایس تألیفات اوست.

نسخه خطی آن در موقوفه سید علی ایروانی در تبریز بوده است. ۲۸

۳۱. زاد المسافرین

این کتاب در اعلام الشیعه و فهرست کتابخانه مجلس شورا

یاد شده است<sup>۲۹</sup> و در اینکه از تألیفات سید حیدر باشد تردید داریم.

۳۲. العلوم العالیة

این رساله را به درخواست افرادی از صوفیه و متکلمان و

حکماء، در علوم این سه طائفه نگاشته تا برای آنها فرق علم این

سه طائفه روشن شود.

رساله ای کوتاه دارای یک مقدمه و ده نوع. مقدمه در بیان

تعریف علم به طریق این سه طائفه. نوع اول تعریف علوم اهل

الله. نوع دوم در کیفیت صدور وحی و الهام و کشف ...

نسخه خطی این رساله در کتابخانه حرم حضرت امیرمؤمنان

(الخرزانه الغرویة) بوده است.

این رساله در سال ۷۸۷ تألیف شده و پس از این تاریخ معلوم

نیست که مرحوم سید حیدر چند وقت دیگر زنده بوده است. ۳۰

۳۳. در ذریعه می فرماید: ضمیمه نسخه «العلوم العالیة»

کتابی بود با این سرآغاز: الحمد للذات الاحدیة ... هذه رساله

مستخرجة من بعض تصانیفی افردها لاجل التسهیل والتیسیر

این رساله شامل چهار مطلب بود: مطلب اول در فضل

توحید. دوم در تعریف و حقیقت توحید. سوم در ترتیب و

تقسیم توحید و چهارم در کیفیت و تفصیل توحید. ۳۱

در ذریعه این رساله همان المحيط الاعظم دانسته شده که

گویا درست نباشد.

این رساله را مؤلف در ۷۷۷ برای سلطان عرب و عجم جلال الدنیا

والدین شاه شجاع نگاشته است.

در اعلام الشیعه گوید شاه شجاع شیعه بوده و در مجمع  
الفصحاء این شعر از او دانسته شده است

در حضرت خدا بجز از ختم انبیا

کس را مقام و منزلت بوتراب نیست<sup>۳۲</sup>

۳۴. منتخبات انوار الشریعه

این کتاب در اعلام الشیعه سده هشتم یاد شده است.

۳۵. المسائل الاملیة = المسائل الحیدریة

پاسخ سؤالات سید حیدر آملی است از استادش فخرالمحققین

و این کتاب باید از تألیفات فخرالمحققین شمرده شود. در سال

۷۵۹ پاسخ این سؤالات را از استادش خواسته و دریافت کرده است.

نسخه این رساله در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است.

۳۶. الکشکول فیما جرى علی آل الرسول

چون تاریخ تألیف این کتاب در خود کتاب ۷۳۵ ضبط شده

است، بعید به نظر می آید که تألیف سید حیدر باشد؛ زیرا او در

آن تاریخ ۱۶ ساله و در اصفهان یا جای دیگر مشغول تحصیل

بوده و ظاهراً هنوز مشغول تألیفی نشده بوده است و در عین حال

داوری درباره این اثر نیاز به بررسی دارد. زیرا برخی از عبارات

این کتاب عیناً در برخی کتاب های دیگر سید حیدر هست و

احتمال اینکه این کتاب از مصادر و مراجع سید باشد، منتفی نیست.

۳۷. المعتمد من المنقول فیما اوحی الی الرسول

این کتاب در هدیه العارفین<sup>۳۳</sup> از تألیفات سید حیدر دانسته

شده است.

۲۴. ذریعه، علامه طهرانی، ج ۲، ص ۱۲۲.

۲۵. همان.

۲۶. جامع الاسرار، ص ۱۱۶.

۲۷. ذریعه، ج ۳، ص ۲۰۷. اعلام الشیعه، سده هشتم، ص ۷۰ و جامع

الاسرار، ص ۶۱۴.

۲۸. الذریعه، ج ۱۰، ص ۶۱.

۲۹. اعلام الشیعه، سده هشتم، ص ۷۰.

۳۰. الذریعه، ج ۱۵، ص ۳۲۶.

۳۱. همان، ج ۲۰، ص ۱۶۱. مصحح کتاب اسرار الشریعه گفته است: شاید

کتاب العلوم العالیة همان رساله العلم باشد که قبلاً یاد شد.

۳۲. اعلام الشیعه، سده هشتم، ص ۷۰.

۳۳. همان، ص ۳۴۱.

من افادتی له وكان ذلك بالمشهد الشريف الغروي سلام الله على مشرقه سلخ رجب المرجب من سنة ۷۵۳ ...<sup>۳۶</sup>

ابن ابی جمهور احسانی از دانشمندان سده نهم، در یکی از تألیفاتش که شرحی بر یکی از رساله های طلایی است، از سید حیدر به «سید علامه متأخر صاحب الکشف الحقیقی» یاد کرده است.<sup>۳۷</sup>

و تعدادی از روایات عوالی اللثالی، از جمله روایت: الشریعة اقوالی ... ظاهراً از تألیفات سید حیدر نقل شده است.

قاضی نورالله شوشتری از علمای سده یازدهم گوید: «سید افاضل المتألهین حیدر بن علی العبدلی الحسینی الآملی قدس

الله روحه از سادات رفیع الدرجات دارالمؤمنین آمل است. از آنجا به عزم زیارت عتبات عالیات حضرت امیرالمؤمنین (ع) و

دیگر مشاهد ائمه معصومین (ع) به دارالسلام بغداد آمده<sup>۳۸</sup> و در آن رحل اقامت انداخت، با شیخ محقق فخرالدین محمد بن

مظهر حلّی و فاضل مدقق مولانا نصیرالدین قاشانی مشهور به حلّی رحمه الله و دیگر علما و عرفای شیعه امامیه صحبت

داشته. بیان سلسله خرقه و ارادت او در اول شرح فصوص مسمی به نص النصوص که از جمله نفائس مصنفات اوست،

مذکور است ... علو مرتبه او در علوم ظاهر و باطن از این شرح و تفسیر و تأویلات و کتاب جامع الاسرار و منبع الانوار مانند نور

بر شاهی طور در غایت ظهور است ...<sup>۳۹</sup>

و نیز قاضی نورالله در کتاب مصائب النواصب که ترجمه فارسی آن چاپ شده است گوید: سید حیدر عارف محقق

اوحدی و از اکابر شیعه است.<sup>۴۰</sup>

صاحب ریاض العلماء از عالمان سده دوازدهم می نویسد:

«سید حیدر بن علی بن حیدر بن علی علوی حسینی آملی مازندرانی صوفی معروف به آملی از افاضل علمای صوفیه شیعه است ...

نسخه ای از جامع الاسرار او را دیدم که بر روی آن از خط شیخ بهایی نقل شده بود: الذی اظنّ ان هذا الكتاب تألیف السید الجلیل السید حیدر المازندرانی رحمه الله وله تفسیر کبیر بلسان

۳۴. المحيط الاظم، ج ۱، ص ۵۳۲.

۳۵. امیان الشیعه، ج ۶، ص ۲۷۲.

۳۶. المحيط الاظم، ج ۱، ص ۵۳۵.

۳۷. مجالس المؤمنین، ص ۲۷۶، چاپ سنگی.

۳۸. حدس می زنیم که محل اقامت سید نجف بوده و گاهی به بغداد و کربلا

و حلّه می رفته است، مگر اینکه گفته شود هنگامی که کتاب هایی را نزد

فخرالمحققین می خوانده در حلّه بوده است.

۳۹. مجالس المؤمنین، ص ۲۷۶.

۴۰. ریاض العلماء، ج ۲، ص ۲۱۹. ترجمه مصائب النواصب، ص ۱۷۸

۳۸، ۳۹ و ۴۰. در مجالس المؤمنین و ریاض العلماء و

ذریعه هنگامی که کتاب «التاویلات» سید حیدر را (که شاید مقصود همان المحيط الاعظم باشد) یاد می کنند، می نویسند:

این چهارمین تفسیری است که ایشان نگاشته و گفته این چهارمی نسبت به آن سه، مانند قرآن است نسبت به تورات و انجیل و

زیور. اما نگارنده احتمال می دهد مقصود سید حیدر از سه تفسیری که تفسیر او بر آنها ترجیح دارد، سه تفسیر از تألیف

دیگران باشد.

در هر صورت نیاز به بررسی بیشتر دارد.

درباره او گفته اند: فخرالمحققین فرزند علامه حلّی در اجازه ای

که برای سید حیدر آملی نوشته، او را این چنین ستوده است:

المولی السید الاعظم الامام المعظم افضل العلماء فی

العالم اعلم فضلاء بنی آدم مرشد السالکین غیاث نفوس

العارفین محیی مراسم اجداده الطاهیرین الجامع بین

المعقول والمنقول والفروع والاصول ذوالنفس القدسیة

والاخلاق النبویة شرف آل رسول رب العالمین افضل

الحاج والمعتمرین المخصوص بعنایة رب العالمین رکن

الملة والحق والذین حیدر بن السید السعید تاج الذین علی

پادشاه ...<sup>۳۴</sup>

و در اجازه دیگر برای او نوشته است: «مولانا السید الامام

العالم العامل المعظم المکرّم افضل العلماء واعلم الفضلاء

الجامع بین العلم والعمل شرف آل الرسول مفضّر اولاد البتول

سید العترة الطاهرة رکن الملة والحق والذین السید حیدر بن

السید السعید رکن الذین علی پادشاه ...»

و در جای دیگر نوشته: قرأ علی [السید حیدر] اطال الله

عمره ورزقنا برکنه وشفاعته عند اجداده الطاهیرین.<sup>۳۵</sup>

و استاد دیگرش شیخ عبدالرحمن بن احمد قدسی (مقدسی)

که از عرفای شیعه بوده، در اجازه ای که برای او نوشته، او را

چنین معرفی کرده است:

«السید الامام الهمام العالم الكامل قطب الموحّدین زبده

المتبحرین کهف الحاج والمعتمرین المخصوص بعنایة رب

العالمین السید رکن الحق والملة والذین حیدر بن تاج الذین علی

پادشاه الحسینی آملی ادام الله ظلّه ... و کانت استفادتی منه اکثر



الصوفية يدل على علو شأنه وارتفاع مكانه ... ۴۱۸  
برای آشنایی بیشتر و شناخت و شرح حال و تألیفات سید  
حیدر آملی علاوه بر چند کتابی که از ایشان به چاپ رسیده، به  
این کتاب ها رجوع شود:

۱. مجالس المؤمنین، قاضی نورالله تستری
  ۲. ترجمه مصائب النواصب قاضی نورالله تستری
  ۳. ریاض العلماء افندی
  ۴. روضات الجنات خوانساری
  ۵. اعیان الشیعه عاملی
  ۶. اعلام الشیعه طهرانی
  ۷. خاتمه مستدرک حاجی نوری
  ۸. القوائد الرضویه محدث قمی
  ۹. دانشنامه ایران و اسلام
  ۱۰. دائرة المعارف نشیع
  ۱۱. دائرة المعارف بزرگ اسلامی
  ۱۲. ریحانة الادب خیابانی
  ۱۳. معجم المؤلفین
  ۱۴. الذریعة علامه طهرانی
  ۱۵. کشف الظنون
  ۱۶. هدیة العارفین
  ۱۷. فهرست کتابخانه مرکزی دانشگاه
  ۱۸. فهرست کتابخانه استان قدس رضوی
  ۱۹. فهرست کتابخانه آیة الله مرعشی
  ۲۰. فهرست کتابخانه مجلس شورای
  ۲۱. مقدمة الطبع الکشکول فیما جرى علی آل الرسول  
چاپ نجف
  ۲۲. مقدمة الطبع جامع الاسرار و نقد النقود چاپ تهران
  ۲۳. مقدمة الطبع نص النصوص چاپ تهران
  ۲۴. مقدمة الطبع اسرار الشریعة چاپ تهران
  ۲۵. مقدمة الطبع تفسیر المحيط الاعظم چاپ تهران
  ۲۶. طرائق الحقائق معصوم علیشاه
  ۲۷. مجموعه مقالات و مصاحبه های کنگره علامه سید  
حیدر آملی در سه جلد
  ۲۸. مسافری غریب تألیف دکتر اسماعیل منصور لاریجانی
  ۲۹. علامه سید حیدر آملی تألیف دکتر احمد خالدی
  ۳۰. عرفان شیعی در اندیشه سید حیدر آملی از  
انتشارات دبیرخانه کنگره علامه سید حیدر آملی
  ۳۱. سه شماره ویژه نامه کنگره به نام ستاره عرفان و مجله  
کراذنه ها، ش ۲، دانشگاه آزاد اسلامی گلستان مازندران
  ۳۲. ترجمه کتاب التصوف الشیعة به نام عرفان شیعی  
دانشگاه آزاد اسلامی تنکابن
  ۳۳. مجله بینات سال اول ش ۳
  ۳۴. کشف الفهارس دکتر حجتی ج ۳ و ۴
  ۳۵. صحیفة الابرار نیر تبریزی
  ۳۶. مرآت الکتب ثقة الاسلام تبریزی
  ۳۷. ترجمه روضات الجنات
  ۳۸. ترجمه مقدمه نص النصوص آملی
  ۳۹. ترجمه اسرار الشریعة آملی
  ۴۰. دانشنامه قرآن خرمشاهی.
- دوازده نکته
- نکته اول:
- از حدود چهل کتاب و رساله عربی و فارسی سید حیدر آملی  
با جستجویی که تاکنون به عمل آمده، فقط هفت کتاب<sup>۴۲</sup> و  
رساله از آنها در کتابخانه های عمومی و خصوصی یافت شده و  
متأسفانه دو کتاب از این هفت کتاب هم ناقص است.
۱. جامع الاسرار
  ۲. اسرار الشریعة
  ۳. نقد النقود
  ۴. نص النصوص فی شرح الفصوص (ناقص)
  ۵. تفسیر المحيط الاعظم (ناقص)
  ۶. رافعة الخلاف در یک کتابخانه خصوصی موجود بوده که  
فعلا در دست نیست.
  ۷. المسائل الحیدریه
- مصدر اصلی برای شرح حال و خصوصیات زندگی ایشان  
همین کتاب های موجود ایشان است؛ زیرا شرح حال خودنوشت  
و نیز ویژگی های علمی و اخلاقی ایشان در این کتاب ها هست.  
اینکه غالب آثار ایشان از بین رفته و بیشتر آثار موجود هم کم  
نسخه است و نیز تألیفات ایشان از مصادر کتاب های عرفانی پس
۴۱. ریاض العلماء، ج ۲، ص ۲۲۱.
  ۴۲. اگر کتاب کشکول را هم از ایشان بدانیم، هشت کتاب و رساله از ایشان  
موجود است.

شیعی مکتب اهل بیت است، دفاع می کند و از اینکه او را صوفی بخوانند، ابایی ندارد و حتی در کتاب های تراجم هم او را با عنوان صوفی هم معرفی کرده اند. اما باید روشن باشد که نکوهش علمای شیعه از صوفیه به خاطر نقاط ضعف مهمی است که در آنها بوده و هست، اما مرحوم سید حیدر از غالب آن نقاط ضعف منزیه است.

اهم نقاط ضعف فرقه صوفیه اینها است:

الف. ادعای عرفان بدون ارتباط با اهل بیت پیامبر (ص) و بدون اعتقاد به امامت و ولایت آنان؛

سید حیدر، شیعه امامی و مروج عرفان مکتب اهل بیت است و عارفان غیر شیعی را عارف واقعی نمی داند و درباره عالمی که با عدم اعتقاد به ولایت امام زمان (ع) ادعای عرفان دارد، می نویسد: <sup>۴۶</sup> والعجب کل العجب ان امثال هؤلاء يدعون الكشف والعرفان. ب. پشت کردن به تمام علوم رسمی حوزوی و دینی به ادعای عرفان و تصوف؛

سید حیدر حتی در زمانی که به سیر و سلوک و ریاضت و معنویات اشتغال داشته، از اشتغال به علوم حوزوی غافل نبوده و در همان سال ها کتاب های متعددی از کتب حدیث و فقه شیعه را نزد استادش فخرالمحققین خوانده و از همین کتاب ها در آثار خود بهره برده است. <sup>۴۷</sup>

پ. انجام ندادن عبادات به ادعای اینکه عارف واصل پس از وصول مکلف به عبادات نیست؛

سید حیدر در اسرار الشریعة <sup>۴۸</sup> می نویسد: «الجهال من الصوفية ذهبوا الى ان كل من وصل الى الله تعالى سقط عنه التكليف الشرعية والعبادات الدينية، حاشا وكلاً نعوذ بالله عن نسبة امثال ذلك اليهم بل اعتقادهم واتفقهم على ان كل من وصل الى الله تعالى طاعته يكون اكثر وعبادته يكون اعظم ...»

ت. برخی از صوفیان گاه گاهی مطالبی خارج از کتاب و سنت مطرح می کنند و به اصطلاح، گرفتار بدعت گذاری در دین و مراسم دینی می شوند؛

سید حیدر در آغاز کتاب شرح فصوص می نویسد: از من با

۴۳. به فوائد الرضویه، ص ۱۶۶ و نیز مجالس المؤمنین، ص ۲۷۷ و روضات الجنات رجوع شود.

۴۴. به ترجمه مصائب النواصب، ص ۲۱۸ رجوع شود.

۴۵. جامع الاسرار، ص ۴۱ با تلخیص.

۴۶. نهر النصوص، ص ۲۲۸.

۴۷. به اجازه فخرالمحققین به ایشان که در المحيط الاعظم، ج ۱، ص ۵۳۲ رجوع شود.

۴۸. همان، ص ۱۹۳.

از او قرار نگرفته، شاید جهتش این باشد که عرفای اهل تسنن به خاطر اینکه کتاب های ایشان براساس مکتب اهل بیت و مذهب شیعه نگاشته شده، و علمای حوزه های شیعه هم به خاطر معروف بودن ایشان به صوفی، به آثار ایشان بی توجه بوده اند.

نکته دوم:

کسانی که بخواهند شرح حال سید حیدر آملی را بیان کنند و یا بنویسند باید به این مطلب توجه داشته باشند که در میان علما و عرفا چند نفر به این نام هستند که گاهی این بزرگواران با هم اشتباه شده و از این رو در بیان شرح حالشان نیز اشتباه پیش آمده است. مثلاً در برخی نوشته ها بعضی از کرامات سید حیدر موسوی تونی <sup>۴۳</sup> را به سید حیدر آملی نسبت داده اند و یا مثلاً میرحیدری را که در آمل مدفون است برخی سید حیدر آملی دانسته اند.

نکته سوم:

یکی از مظلومیت های شیعه این بوده که علما و عرفای اهل تسنن، شیعه را به مخالفت با عرفان و سیر و سلوک و الهی بودن متهم می کرده اند؛ مثلاً میرزا مخدوم شریفی از علمای سده دهم اهل تسنن در کتابی که در رد شیعه نگاشته، یکی از نقاط ضعف شیعه را همین دانسته که اینان منکر تصوف و تصفیه باطن و کسب نورانیت هستند؛ <sup>۴۴</sup> در صورتی که عرفان حقیقی جز در مکتب اهل بیت یافت نمی شود و اگر شیعه با عرفان مخالفت می کرد، به خاطر این بوده که غالب مدعیان عرفان از اهل تسنن بوده، و عارف واقعی نبوده اند، زیرا امکان ندارد یک مسلمان عارف باشد، اما به مقامات امیرمؤمنان عارف نباشد. به هر حال این تهمت در زمان سید حیدر و قبل از او هم بود. مرحوم سید حیدر در آثار خود می گوید عارف و صوفی حقیقی شیعه، و شیعه حقیقی همان عارف بالله است و این دو از هم جدا نیستند و هیچ غیر شیعه نمی تواند عارف حقیقی باشد. در کتاب جامع الاسرار می نویسد: «الصوفية وان كانت فرقا كثيرة مثل الشیعة لكن الفرقة الحققة منها واحدة وهي الفرقة الموصوفة بالایمان بالائمة عليهم السلام ظاهراً وباطناً كما ان الشیعة وان كانت فرقا كثيرة لكن الفرقة الحققة منها واحدة وهي الفرقة الامية.» <sup>۴۵</sup>

نکته چهارم:

مرحوم سید حیدر آملی از تصوف واقعی که همان عرفان

اصرار خواستند که شرحی بر فصوص محیی الدین بنویسم. این خواسته را پذیرفتم «و شرطت علی نفسی ان اکتب ... مطابقاً للعقل والنقل غیر خارج عن الكتاب والسنة». ۴۹

ث. برخی از صوفیان با اینکه خود را شیعه می دانند، به فقه اهل بیت بی اعتنا هستند؛

سید حیدر در کتاب اسرار الشریعة خود هنگامی که در صدد بیان طهارت، نماز، روزه، زکات، حج، جهاد از دیدگاه شریعت برمی آید، احکام این عبادات را طبق فقه شیعه نقل می کند؛ به طوری که در این بخش خواننده خود را با یک فقیه شیعه و شاگرد فقیه بزرگوار فخرالمحققین حلّی روبرو می بیند؛ ۵۰

ج. برخی از صوفیان به کتاب های علمی حوزویان بی اعتنا هستند، چون این کتاب ها را شامل علوم رسمی و ظاهری می دانند.

اما شواهدی در دست است که سید حیدر این طور نبوده است. مثلاً در چهل سالگی، پس از سال ها ریاضت و اهل معنی و دل شدن، چند پرسش فقهی و غیر فقهی از فخرالمحققین دارد که این پرسش ها به خط سید و پاسخ ها به خط فخرالمحققین در مجموعه ای که تمام آن مجموعه به خط سید است، در کتابخانه مرکزی دانشگاه موجود است.

این مجموعه شامل سیزده رساله است و نشان دهنده این است که سید به کتاب های حوزوی و علوم رسمی هم عنایت داشته است.

رساله ها به این شرح است:

\* مسائل مدنیات از علامه حلّی

\* رساله در حج تمتع از فخرالمحققین

\* معراج السلامه از علی بن سلیمان بحرانی

\* عیون الحکمه از فخر رازی

\* رساله حدود از ابن سینا

\* رساله توحید

\* رساله اصطلاحات حکماء

\* رساله از خواجه طوسی

\* رساله العلم خواجه طوسی

\* سؤالات صدرالدین قونوی از خواجه طوسی

\* رساله قضاء و قدر حسن بصری

\* مسائل متفرقه

\* سؤالات سید حیدر و پاسخ های فخرالمحققین

و نیز برخی از تألیفات محمد بن علی جرجانی و اجازه علامه به سید مهنا و استقصاء النظر علامه حلّی را استنساخ کرده و آن را نزد فخرالمحققین خوانده است.

بنابراین اگر سید حیدر آملی به عنوان عارف صوفی یاد می شود،

باید معلوم باشد که این عالم بزرگوار با صوفیان مورد نکوهش وجه مشابهتی ندارد و می توان گفت وی مانند پدر علامه مجلسی و ابن فهد حلّی و دیگران از عالمان اهل معرفت بوده و شاهد قوی این مطلب اجازه هایی است که فخرالمحققین برای او نوشته و او را بسیار تمجید و تکریم کرده است.

آری تنها نقطه ضعفی که در این زمینه وجود دارد، مسأله «خرقه» و خرقه پوشیدن سید به دست شیخ است، که گرچه توجیه داشته باشد، اما از نظر علماء شیعه مردود است و شاید بتوان گفت در میان علمای اهل سیر و سلوک و اهل معرفت از شیعه، سابقه و لاحقۀ نداشته باشد.

#### نکته پنجم:

گویا شرایط زمان سید حیدر ایجاب می کرده که در کتاب های خود گاهی از مسائل حاداً اختلافی میان شیعه و سنی زود بگذرد و دنبال نکند و نیز برخی عبارات دوپهلوی که مورد بسند آنان است بیاورد.

مثلاً در صلوات یک خطبه «المحیط الاعظم» می نویسد: «وصلی الله علی من فصّلاً بمثل هذه الموهبة ولطفه الجسیم وعلی آله واصحابه واهل بیته اهل الفوز والجنة والنعم». ۵۱

و در آغاز «نص النصوص» گوید: «والصلاة والسلام علی المتحقّق بهذه الخلافة العظمی وراثته الکبری قبل خلقته ... وعلی آله واصحابه و خلفائه الواصلین الی اعلی درجات الکمال بحسن اشداده وهدایته ...»

و در آغاز جامع الاسرار: «وصلاة الکاملة علی نبیّه الاکمل منهم فی الشرف والرتبة ... وعلی الباب الاعظم والمحلّ الراجح المولود جوف الکعبة ... وعلی آله واصحابه واهل بیته اهل بیت العلم والمعرفة والحکمة.»

و در کتاب نص النصوص می گوید: «وقصّة فذک و فاطمه علیها السلام مشهورة ومنعها عن المیراث بحکم الحدیث المنسوب الیه من غیر واقع ... وها هنا حکایات وقصص السکوت عنها اولی.» ۵۱

البته در مواردی هم به صراحت بطلان مذهب تسنن را بیان کرده است.

و نیز در نص النصوص می نویسد: «من جملة ما انزل الله قوله تعالی قل لا اسالکم علیه اجر الا المودة فی القربی وانت ما تعطی عوض المودة الا المبغضة فکیف حکمت بالقرآن و اقل

۴۹. مقدمه نص النصوص.

۵۰. به اسرار الشریعه از ص ۷۳۶ تا ۲۴۷ رجوع شود. در نص النصوص ۱۶۲ به اجتهاد و استنباط احکام از کتاب و سنت و اجماع و تفریع فروع بر اصول بر طریق فقها، شیعه اشاره می کند و اجتهاد مبتنی بر قیاس را رد می کند.

۵۱. نص النصوص، ص ۴۹۵.

روزی دیدند که گریه می کند؛ سبب پرسیدند. گفت: مسأله ای را که سی سال معتقد بودم اکنون برایم روشن شد که خلاف واقع بوده است و از کجا که همه معلومات من چنین نباشد. از این رو محیی الدین با نامه ای او را توییح کرد که چرا راه ریاضت و تحصیل علوم واقعی را ترک کرده است.

خواجه نصیر الدین طوسی هم در رساله «فصول» خود گوید: این مقدار که در این رساله آمده در شناخت خدا و صفات او کافی است زیرا با عقل و علم کلام، شناخت و معرفت بیش از این میسر نیست و فقط ما این را می فهمیم که خدا وجود دارد و اگر کسی می خواهد به معرفتی بالاتر از این دست یابد باید به ریاضت و سلوک پردازد.

و ابن سینا هنگام مرگ گفت:

رجعنا الیک الان فاقبل رجوعنا

وفلت قلوب طال اعراضها عنکا

افضل الدین خونجی هنگام مرگ گفت: نهایت آنچه در طول عمر علمی خود فهمیدم یک مسئله است و آن اینک این جهان مصنوع نیاز به صانع دارد.

محمد غزالی و بابا افضل کاشی و صدرالدین ترکه و عبدالرزاق کاشانی پس از سالها اشتغال به علوم رسمی به راه اهل معرفت برگشتند.

ابن میثم بحرانی در دو شرح نهج البلاغه خود راه های عارفان و موحدین را بر راه های همه علما و فلاسفه ترجیح داده است.

مکرر از امام عالم و حکیم فاضل نصیر الدین کاشی (حلی) قدس الله سره شنیدم که عین این جمله را می گفت: نهایت آنچه در طول هشتاد سال فهمیدم این بود که این مصنوع نیاز به صانع دارد و مع ذلك فتین عجائز الکوفة اکثر من یقینی فی هذا الباب.<sup>۵۴</sup>

**نکته هشتم:**

در جامع الاسرار فصلی با این عنوان هست: «بیان کیفیت تحصیل العلوم الرسمية والعلوم الحقيقية» در این باب گفته است رفتن به مکتب خانه برای یادگیری خواندن و نوشتن و خواندن اشعار عرب و آشنا شدن با دانش عروض و سپس تحصیل صرف و نحو و معانی و بیان و منطق و اصول فقه و یادگیری طریق استنباط و تفسیر قرآن مجید و علم حدیث و فقه و علم کلام و معقول و آنطور که در حوزه ها خوانده می شود، ده ها سال به طول می انجامد و حاصل این که تحصیل شرعیات و نقلیات و حکمت و عقلیات

۵۲. همان، ص ۲۴۱.

۵۳. همان، ص ۲۳۸ و جامع الاسرار، ص ۴۱۹.

۵۴. همان، ص ۴۸۸-۴۹۷.

المبغضة انک تنسب مرتبتهم واما منهم الی الغير بغير الحق ... هذا مضمی . وتلك شقشقة هدرت ثم قرأت .<sup>۵۲</sup>

**نکته ششم:**

سید حیدر با تمام عظمتی که برای محیی الدین قائل است و باید گفت در بسیاری از مطالب متأثر از اوست، اما این طور نیست که مقلد و پیرو صد در صد او باشد، لذا در مسأله «خاتم اولیاء» صریحاً با او مخالفت کرده و می گوید: «از محیی الدین تعجب است که به مقتضای خوابی که دیده خود را خاتم الاولیاء می داند و حال آنکه به مقتضای بیداری با تأیید نقل و عقل و کشف و شهود این مقام برای حضرت مهدی ثابت است و این النوم من اليقظة و این القیاس من الادلة العقلية والشواهد الثقلية التي تطابق الکشف الصحيح .»

و با جمله آخر اشاره می کند به اینکه هر کشفی صحیح و حجّت نیست.

سپس اضافه می کند: اگر او با خواب این مقام را برای خود اثبات می کند، ما خلاف آن را مکرر در خواب دیده و از رسول خدا (ص) و اهل بیت او علیهم السلام شنیده ایم: «و هذا الادعاء من محیی الدین قریب الی تعصب القیصری (شارح الفتوحات) ودلائله او هن من بیت العنکبوت مع ان الشیخ ابن العربی یدعی الاطلاق والخروج عن قید المذهب والتعصب مع کل احد ...» در جای دیگر گوید: چطور شیخین را از اولیاء خدا شمرده و علی و اولاد او را یاد نکرده است؟! درباره صاحب فصوص و برخی شارحان آن گوید:

«بسیار تعجب است که امثال اینان ادعای کشف و شهود و عرفان می کنند [و سخنان باطلی می گویند] اما القیصری فقد عرفت خطبه و مهملاته و اما محیی الدین کیف حکم ان عیسی خاتم الولاية المطلقة مع وجود علی علیه السلام ...»<sup>۵۳</sup>

کوتاه سخن این که ادعای عرفان، بدون معرفت به مقام علی و اهل بیت (ع) ادعایی بی اساس است.

**نکته نهم:**

سید حیدر با پشت پا زدن به زندگی مرفه و شعار «ترکت الخلق طرأ فی هواک» و ریاضت و سیر و سلوک و استفاضه از ارواح اهل بیت و مجاورت قبر امیرمؤمنان و افاضات آن بزرگواران به مقاماتی بس بلند و مشهود معارف دست یافته و معتقد است علوم رسمی و ظاهری، انسان را به جایی نمی رساند و طالب معارف باید به علم ارثی و لدنی مشرف گردد و در این باره این شواهد را یاد کرده و می گوید:

فخر رازی که از اعظم دانشمندان معقول و منقول است، مکرر به جهل خود اعتراف کرده، و یک جا می گوید:

ولم نستفد من بحثنا طول عمرنا

سواء ان جمعنا فیه قیل وقالوا

نیاز به کوشش و جد و جهد هشتادساله دارد، اما پس از این هشتاد سال تحصیل، آنچه حاصل نمی شود علم شهودی است. اما کیفیة تحصیل العلوم الحقیقیة فهو فی غایة السهولة لانها موقوفة علی فراغ القلب و صفاء الباطن و هذا یمكن بساعة واحدة و بیوم واحد و بلیلة واحدة. ۵۵

البته کسانی که مانند سید حیدر به مقام کشف و شهود می رسند و مانند ایشان برای آیات قرآن مجید مثلاً تاویلاتی یاد می کنند که در حقیقت ادعای بیان باطن و بطون قرآن را دارند، این تاویلات برای غیر خودشان حجیت ندارد. زیرا معصوم نیستند و احتمال خطا و اشتباه در کشف و شهود آنها بعید نیست؛ همان طور که خود سید حیدر در برخی از کشف و شهودهای علمای اهل تسنن اشکال کرده، و قبلاً گفته شد با عدم معرفت به مقام ولایت اهل بیت، ادعای کشف و شهود در مواردی بی اساس و دروغ و یا از همان کشف و شهودهای بی واقعیت است.

#### نکته نهم:

در بخش تألیفات سید حیدر شماره ۳۳ گفتیم:

علامه طهرانی در اعلام الشیعه گوید: مؤلف این رساله را، برای شاه شجاع نوشته است و در پاورقی اعلام الشیعه آمده: او شجاع بن مبارزالدین محمد بن میر مظفر خراسانی پادشاه شیعی است، اما در لغت نامه دهخدا آمده که وی ۲۵ سال سلطنت نمود و در ۷۸۶ درگذشت و دیوان شعری دارد که در هند چاپ شده و در اقامه شعائر دینی جد بلیغ داشت و در نشر اصول مذهب تسنن پرداخت و الله العالم. ۵۶

در جلد اول نص النصوص، مرحوم سید حیدر آملی از فخرالدوله فرزند شاه کیخسرو که از بزرگ ترین حاکمان ایران بوده و سید حیدر پس از مراجعت به آمل در سی سالگی وزیر او بوده، نام می برد و برای او و پدرش طلب رحمت می کند. ۵۷ و در المحيط الاعظم می گوید: هنگامی که به آمل بازگشتم پادشاه عالم عادل فخرالدوله فرزند کیخسرو مرا از اعظم نواب خود قرار داده و اینها از اولاد کسری انوشیروان هستند و جد نزدیک آنها اردشیر بن حسین بن تاج الدوله است که ظهیر فاریابی (شاعر معروف) او را مدح کرده است. مدتی چنین گذشت. سپس پادشاه عادل ملک الملوك الرومان فخرالدوله شاه غازی خلدالله دولته همان که اکنون زنده است (سال ۷۷۷)، مرا خواست و در خدمت او و برادرانش: الملك الاعظم جلال الدولة اسکندر، و الملك المعظم شرف الدوله بودم... و پس از چندی همه را ترک کردم... ۵۸ نویسنده نتوانست این چند نفر پادشاه و یا حاکم و یا اعضای یک دربار را شناسایی کند.

و کتاب نص النصوص را به سلطان احمد بهادر خان فرزند

تیمورخان مطاع ایران و توران و زنده کننده دولت چنگیز خان اهدا کرده، و او را پادشاهی عالم و دانشمند و ذوالریاستین معرفی و در حدود چهار صفحه او را تمجید و ستایش کرده و عباراتی بسیار بلند از قبیل «زینت السلطنة والخلافة بوجوده وهو الذی جمع الله له بین الحکمة والسلطان...»<sup>۵۹</sup> در مورد او نگاشته که این همه تمجید و ستایش از عارفی چون سید حیدر موجب شگفتی و یا اعتراض برخی از کسانی که شرح حال او را نگاشته اند، شده است.

نویسنده این سطور عجالتاً با کتاب هایی که در اختیار داشت، نتوانست این پادشاه و تاریخ سلطنت او و ویژگی هایش را به دست آورد. از این رو در این مورد داوری را صحیح نمی داند و الله العالم بحقیقه الحال.

#### نکته دهم: اظهارات شگفت آور

آیه الله جوادى فرموده اند: که سید حیدر انسانی خودساخته است. او از سلطنت (وزارت) به عرفان رسیده و هر چه داشت ریخت و با لباس کهنه (کم قیمت) به نجف مشرف شد و خدمت فخر المحققین فرزند علامه حلی رسید. کسی که تمام سخنانش شذرات است و شطحیات ندارد، ولی دیگران اگر شذرات دارند، شطحیات هم دارند.

نویسنده این سطور گوید: ایشان برخی اظهارات شگفت آور دارد، به این شرح:

۱. سید حیدر در کتاب مقدمات نص النصوص در مقام بیان این که جناب محیی الدین عربی از محبان اهل بیت پیامبر (ص) بوده، بخشی از باب ۲۹ فتوحات را درباره فضیلت حضرت نقل کرده و سپس خود را از جهت نسب ظاهری و معنوی با حضرت سلمان مقایسه کرده و از هر دو جهت برای خود فضیلت بیشتری را ثابت می داند. ۶۰

۲. ایشان دو کتاب تفسیر المحيط الاعظم و نص النصوص فی شرح الفصوص خود را با قرآن کریم و فصوص الحکم و با فصوص الحکم و فتوحات مکیه مقایسه می کند و می گوید:

پیامبر (ص) دو کتاب دارد: قرآن کتاب نازل بر او و فصوص (طبق خوابی که محیی الدین دیده است) کتاب صادر از او. و محیی الدین هم دو کتاب دارد: فصوص که کتاب واصل به اوست و فتوحات که کتاب صادر از او. و ما هم دو کتاب داریم: تاویلات (المحیط الاعظم) کتاب فائز بر ما و نص النصوص

۵۵. جامع الاسرار، ص ۵۳۴.

۵۶. اعلام الشیعه سده هشتم، ص ۷۰ و لغت نامه وازه شاه شجاع.

۵۷. المقدمات، ص ۵۳۵.

۵۸. المحيط الاعظم، ج ۱، ص ۵۳۱.

۵۹. مقدمه کتاب، مقدمات نص النصوص.

۶۰. مقدمه الطبع المحيط الاعظم، ج ۱، ص ۶۲ و المقدمات، ص ۱۴۶.

**نکته دوازدهم:**

۳. و در جای دیگر می نویسد: «والله ثم والله لو صارت اطباق السماوات اوراقاً واشجار الارضين اقلاماً والبحور السبعة مع المحيط مداداً والجن والانس والملك كتاباً لا يمكنهم شرح عشر من عشر ما شاهدت من المعارف الالهية والحقائق الربانية ... ولا يتيسر لهم بيان جزء من اجزاء ما عرفت من الاسرار الجبروتية والغوامض الملكوتية ...»<sup>۶۲</sup>

**نکته یازدهم:**

در ویژه نامه کنگره علامه سید حیدر آملی، شماره دو چند مطلب از روی سهو بیان شده، برای این که دیگران به اشتباه نیفتند، آنها را یادآوری می کنم:

۱. سید حیدر در حله ارتحال فرموده است. این مطلب مدرک ندارد و معلوم نیست که سید حیدر در پایان عمر کجا بوده، شاید در نجف بوده است.  
۲. تا قبل از سی سالگی، در شهر آمل زندگی می کرد و مرجع دینی و مورد مراجعه و توجه عامه مردم بود.

این مطلب هم درست نیست. ایشان از دوران نوجوانی تا سی سالگی در خارج آمل، یعنی اصفهان و غیره مشغول تحصیل بود.  
۳. سید حیدر آملی در زمان علامه حلی و فخرالمحققین فرزند علامه می زیسته است و فخرالمحققین و جناب سید حیدر آملی هر دو از یکدیگر استفاده می کردند. ایشان در منقول از فخرالمحققین و آن بزرگوار در معقول از ایشان.

سید حیدر شاگرد فخرالمحققین بوده، اما فخر شاگرد ایشان نبوده است.<sup>۶۳</sup>

۴. در نشریه کرانه، ویژه کنگره سید حیدر آملی آمده: علامه حلی پسر خود فخرالمحققین را به سید حیدر سپرده برای تربیت و تعلیم ....

این مطلب صحیح نیست؛ چون هنگام وفات علامه حلی سید حیدر هفت ساله بوده است.

۵. سید حیدر چقدر قداستش زیاد بود که به امام زین العابدین عصر معروف شدند.

سید حیدر خود گوید فخرالمحققین مرا با عنوان زین العابدین ثانی یاد می کرد، اما این که به این عنوان معروف شده باشد، سخنی بی مدرک است.<sup>۶۴</sup>

متأسفانه در نشریات و کتاب هایی که به مناسبت کنگره علامه سید حیدر آملی به چاپ رسید، دقت کافی به عمل نیامد و از این رو اشتباهاتی پیش آمد و این موارد را که ذکر شد، چون سهواً در گفتار یکی از اساتید بزرگ یاد شده بود و ممکن بود منشأ اشتباه دیگران شود، یادآوری کردیم.

چون در کتاب های سید حیدر، مانند تعدادی از کتاب های عرفانی دیگر از سنی و شیعه روایاتی نقل شده که در جوامع حدیثی معتبر ما نیست، این سؤال پیش می آید که آیا این روایات را معتبر بدانیم و به عبارت دیگر این مصادر را از مصادر قابل اعتماد بدانیم یا نه؟

حاجی نوری در مستدرک الوسائل آنجا که در اعتبار و عدم اعتبار عوالی اللثالی ابن ابی جمهور احسائی بحث می کند، گوید: احسائی از سید حیدر آملی که بعضی از اقوال منکره به او نسبت داده می شود، بدتر نیست و فخرالمحققین در اجازه به سید حیدر او را ستوده، یعنی نسبت تصوف و امثال آن مانع تمجید و ستودن و توثیق او نشده است. سپس می افزاید منظوم این نیست که هر چه روایت در این قبیل کتاب ها هست، معتبر باشد، بلکه مقصود این است که مانند روایاتی است که در سایر کتاب ها نقل شده و میل به تصوف به مطالب نقلی او ضرر نمی رساند.<sup>۶۵</sup>

و روایت «الشریعة اقوالی» را تا آخر، حاجی نوری در مستدرک از جامع الاسرار سید حیدر نقل کرده است.

و همین طور که حاجی نوری گفته است که اقوال منکره به سید حیدر نسبت داده می شود، یعنی از جهتی او را مدح کرده است، صاحب اعیان الشیعه نیز در ذیل شرح حال او گفته است: آن طور که شنیده ام سید حیدر در صدد بوده که اقوال صوفیان را با ظاهر شریعت تطبیق دهد. این کار چه فایده ای دارد؟ آیا آیه و روایتی در تقدس صوفیه داریم تا نیاز به این تطبیق باشد ...<sup>۶۶</sup>

غیر از این دو بزرگوار کسی را نمی شناسم که به سید حیدر انتقاد کرده باشد و شاید هم به این خاطر بوده که آثار او در دسترس نبوده است. در هر حال دو اجازه فخرالمحققین با آن عبارات بسیار بلند که یکی از آن دو به خط فخرالمحققین در کتابخانه حاجی نوری بوده است، پاسخ هر نقدی را می دهد و بزرگواری سید را اثبات می کند. بله مسأله «خرقه پوشیدن» و «تأویل آیات قرآن بدون تلقی از معصومان» و برخی از اظهارات شگفت آور سید حیدر خالی از ابهام نیست و المعصوم من عصمه الله تبارک و تعالی.

و چون مرحوم سید خرقه و مشایخ صوفیه را در آثار خود نام برده، موجب شده که معصوم علیشاه در کتاب طرائق بیش از ده جا از او نام برده و به نفع صوفیان اصطلاحی بهره برداری کند.

۶۱. المقدمات، ص ۱۴۷.

۶۲. به همان کتاب، ص ۵۳۶ و جامع الاسرار، ص ۶ رجوع شود.

۶۳. ویژه نامه شماره ۲، ص ۱۱ به بعد.

۶۴. کراته ها، ش ۲، ص ۳۵ به بعد.

۶۵. مستدرک الوسائل، ج ۱۹، ص ۳۳۹.

۶۶. اعیان الشیعه، ج ۶، ص ۲۷۲.